

پیشگیری اجتماعی از اختلاس با تاملی در آموزه‌های نهج البلاغه

صالح غفاری چراتی^۱

امین رادمان^۲

بهار حمزه زاده^۳

مریم غفاری چراتی^۴

چکیده

جرم اختلاس از جمله جرائم اقتصادی است که علیرغم تلاش‌های گسترده‌ای که برای پاسخ‌های کیفی از آن به عمل آمده، از شمار مرتکبان آن نکاسته است. از طرفی، در جامعه امروز پیشگیری‌های غیر کیفی و به طور مشخص پیشگیری اجتماعی با پیشرفت علم جرم‌شناسی، جایگاه ممتازی یافته است. در میان آموزه‌های نهج البلاغه نیز نکات دقیق و فراوانی در این باره وجود دارد از جمله اینکه یکی از مؤلفه‌های مهم امام علی^(ع) در استخدام پست‌های حکومتی پرهیزگاری و امانت‌داری کارگزارانش بود و سیاست حکومتی ایشان در مورد دست‌اندازی نسبت به بیت‌المال توسط افرادی که آن را در اختیار داشته‌اند، شایان توجه است. به همین منظور، نوشتار حاضر با توسل به فرمان‌ها و توصیه‌های موجود در نهج البلاغه درصدد آن است به طور مشخص به راهکارهای اجتماعی پیشگیرانه جرم اختلاس در اثرگذاری بر کاهش وقوع این جرم بپردازد. به طور کلی نتایج این مقاله در تلاش است آموزه‌های پیشگیرانه جرم‌شناسان را با تطبیق بر کتاب ارزشمند نهج البلاغه در حوزه جرم اختلاس به طور دسته‌بندی شده و روشمند ارائه دهد تا از این رهگذر بتوان از مجریان نظام عدالت کیفی، اجرایی شدن آن را طلب نمود. سوال مهم مقاله این است که آموزه‌های نهج البلاغه تا چه اندازه منطبق بر رهیافت‌های جرم‌شناسی پیشگیرانه است؟ این پژوهش با روش تحلیلی-نظری و با رویکرد کارکردگرایانه، به صورت توصیف و تحلیل مطالب صورت گرفته و از مدل و نظریه سیستمی و مفاهیم آن در ارتباط با پیشگیری از جرایم استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای-اسنادی است. در نهایت نتیجه به این صورت است که آموزه‌های نوین جرم‌شناسی پیشگیرانه با رویکردها و آموزه‌های نهج البلاغه در یک راستا هستند و راهکارهای پیشگیرانه از جهت مبارزه و پیشگیری به متولیان سیاستگذاری جنایی پیشنهاد می‌گردد. **کلیدواژگان:** اختلاس، پیشگیری اجتماعی، امام علی^(ع)، نهج البلاغه.

۱. استادیار حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)
salehghafari97@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۳. دانشجوی دکتری حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۴. دانشجو کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

مقدمه

در عصر حاضر به منظور بهبود روابط اجتماعی و بهره‌مند شدن مردم از مواهب و نعمات موجود در طبیعت، بخش عظیمی از سرمایه و اموال موجود در یک کشور در اختیار دولت و نهادهای عمومی قرار می‌گیرد. لذا این وظیفه دولت است که این اموال را در اختیار افرادی امانت‌دار قرار دهد تا به نحو شایسته نگهداری و برای هدف مورد نظر به کارگیرند، اما با این وجود برخی کارکنان حکومت در ادای این وظیفه شرعی و قانونی کوتاهی کرده، اموال را به نفع خود یا دیگری تصاحب می‌کنند (رمضانی، ۱۳۹۲، ۱۱). این عدول از وظیفه شرعی و قانونی در ادبیات قانون‌گذار اختلاس نام دارد.

به تشریح ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام، اختلاس از جمله تعدیات کارمندان و کارکنان دولت و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و مأمورین به خدمات عمومی است که نسبت به اموال متعلق به دولت یا سایر اشخاص که حسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است، انجام می‌گیرد؛ برای مبارزه با این گونه ناهنجاری‌ها و معضلات، اتخاذ سیاست‌های کیفری و به مجازات رساندن مجرمین یکی از مهم‌ترین دستور کارهای دولت‌ها در طول تاریخ بوده است اما امروزه تجربه نشان داده است که اعمال مجازات سرکوبگرانه برای مبارزه با جرم و به خصوص جرائم مالی مؤثر نیست (چلونگر، ۱۳۹۶، ۱، ۳۵).

از این رو این آورده علمی در تلاش است ویژگی‌های این جرم و مرتکبان آن، ریشه‌ها و پیامدهای آن را به منظور شناخت دقیق و صحیح از این عنوان مجرمانه با مطالعه در ابواب مختلف نهج البلاغه مورد کاوش قرار دهد تا با بررسی مصادیق گوناگون پیشگیری‌های اجتماعی همچون ارتقای اخلاق حرفه‌ای، شایسته‌سالاری، الگوسازی صحیح و آموزش و غیره و تطبیق آن با روش حکومتی امیرالمؤمنان نقش مهمی را که پیشگیری غیر کیفری در کاهش وقوع این پدیده مجرمانه ایفا می‌کند، بیابد. این پژوهش با روش تحلیلی-نظری و با رویکرد کارکردگرایانه، به صورت توصیف و تحلیل مطالب صورت گرفته و از مدل و نظریه سیستمی و مفاهیم آن در ارتباط با پیشگیری از جرایم استفاده شده است. سوال اساسی تطبیق رهیافت‌های جرم‌شناسی پیشگیری با آموزه‌های نهج البلاغه است که به چه میزان این دو گفتمان منطبق بر یکدیگر هستند. به نظر اندیشه‌ای نوین ریشه در مباحث فقهی و آموزه‌های شرعی فقه امامیه دارد و این دو در یک راستا و منطبق برهم هستند.

۱. ویژگی‌ها و ریشه‌های جرم اختلاس

اختلاس در لغت به معنای ربودن، جدا کردن و برداشتن چیزی از روی دیگر است (عمید، ۱۳۹۰، ۳۸، ۱۱۴). در حقوق کیفری و مطابق قانون اختلاس به معنی آن است که مرتکب جرم که مامور دولت است، نسبت به اموال متعلق به دولت یا اموالی که نزد وی می باشد، مرتکب خیانت می شود (میرمحمد صادقی، ۱۲۳۹۲، ۲۱۴). در فقه اختلاس را تحت عنوان اخذ مال از غیر حرز دانسته اند. بدین صورت که اگر کسی مالی را بریاید، نه از حرز و جای امن بلکه به وسیله تردستی و پنهان یا قهر و حیله و شهادت دروغ و خوراندن بنگ و داروی بیهوشی و امثال آن گرچه دزدی نیست و حد دزد نباید زد اما حاکم می تواند او را ادب و تعزیر کند به اندازه ای که دیگران عبرت گیرند و نکنند (علامه حلی، ۱۳۴۳، ۷۵۶). از همین جهت و بر همین مبنای فقهی است که قانونگذار اختلاس را جز جرایم با مجازات های تعزیری قرار داده است. جرم اختلاس مانند بسیاری از جرائم اقتصادی مبتنی بر فریب و نیرنگ، سوء استفاده از اعتماد و تبانی و اغلب نیازمند فرصت شغلی مناسب و تخصص لازم است. همین امر باعث می شود تا مرتکبان آن جرم را به مثابه یک کارشناس مسلط بر امور انجام دهند؛ چنین ویژگی هایی کشف جرم اختلاس را مشکل می سازد. ضمن این که اثبات قصد تقلب و رابطه سببیت بین عمل مرتکب و جرم در هاله ای از ابهام قرار می گیرد؛ بنابراین تا ادله قطعی و ممکن یافت نشود، اقدام به شکایات کیفری نمی شود. از این رو تعداد پرونده های جرم اختلاس فراوان نیست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰، ۱۸۳).

همچنین جرم اختلاس از جمله جرائم یقه سفیدی است یعنی: «رفتارهای غیرقانونی یا غیراخلاقی ناقض مسئولیت امانی یا اعتماد عمومی که توسط یک شخص یا سازمان ارتکاب می یابد، این اعمال معمولاً در جریان فعالیت های شغلی مشروع و توسط اشخاصی که دارای مقام عالی و قابل احترام اجتماعی اند ارتکاب می یابند» (بنسون، ۱۳۹۱، ۴۱).

آثار جرم اختلاس، آنی نیست و در طول زمان جلوه گر می شود؛ بنابراین کشف آن نیز مدت ها پس از وقوع آن اتفاق می افتد؛ نرخ بزهکاری در این جرائم ظاهراً پایین است؛ ویژگی هایی همچون نداشتن آثار مادی اخفا و تبانی موجب کشف کمتر این جرائم می شود در حالی که رقم سیاه این جرائم بسیار بالاست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰، ۱۸۵).

از طرفی مرتکبان جرم اختلاس از لحاظ جرم شناختی، دارای شخصیتی برون گرا هستند و

از سایر مجرمین اجتماعی ترند و دارای فعالیت‌های فوق‌برنامه بیشتری هستند. انگیزه آنان در ارتکاب جرم ریشه در فرهنگ رقابت دارد؛ حالت اشتیاق و تشویق می‌تواند عاملی برای تکرار جرم آنان در آینده باشد؛ هرگز به چشم یک مجرم به خود نمی‌نگرند، میل به پنهان‌کاری در آنان بسیار بالاست و در ارائه تصویری غیر مجرمانه از خود اصرار دارند.

عموماً اختلاس‌کنندگان سطح تحصیلات بالاتری نسبت به سایر مجرمان دارند و از موقعیت اجتماعی متناسبی برخوردارند؛ مضاف بر این‌که دروغ‌گویان ماهری هستند که به خاطر فقدان وجدان و تعهد به اخلاقیات به راحتی مرتکب جرم اختلاس می‌گردند (سلیمانی، ۱۳۹۲، ۱۴۱-۱۱۵)

جرم اختلاس مانند سایر جرائم اقتصادی نتیجه عوامل مختلفی است و هرگز نمی‌توان شرایط و اوضاع و احوال خاصی را تنها علت در وقوع جرم اختلاس دانست. محققان و پژوهشگران نیز عوامل متعددی را در شکل‌گیری این جرم مشخص کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را در دو گروه کلی دسته‌بندی نمود: عوامل محیطی و شخصی. از نظر محیطی مشکلات و نیازهای مالی کارمندان و عدم تأمین مالی کارمندان از سوی مراجع مربوطه، تضعیف اخلاقیات در سازمان‌ها و در مقیاس بزرگ‌تر در جامعه، عدم شفافیت و نظم در امور سازمانی، عدم امنیت شغلی کارکنان، اقتصاد دولتی، ضعف در پاسخگویی به مردم و غیره را می‌توان برشمرد. همچنین از نظر شخصی می‌توان ضعف وجدان کاری و اخلاقیات افراد، نارضایتی کارمندان از موقعیت خود درون سازمان، زیاده‌خواهی و میل به تجمل و ثروت‌اندوزی و... را از جمله عوامل سوق‌دهنده کارمندان به ارتکاب جرم دانست. در وقوع جرم اختلاس و سایر جرائم اقتصادی وجود فرصت مناسب نقش مؤثری ایفا می‌کند. وجود فرصت مناسب که خود می‌تواند انگیزه ساز باشد. فرصت‌ها اغلب حاصل شرایطی همچون دسترسی به محل جرم، اعطای اختیارات گسترده به مدیران و کارمندان، ضعف در نظارت و بازرسی، حمایت و همکاری چند نفر در ارتکاب جرم، وجود ابهام، ضعف و خلأ در قوانین هستند (بنسون، پیشین، ۷۸).

۲. ویژگی‌ها و ریشه‌های جرم اختلاس در اندیشه‌های حضرت علی^(ع) در نهج البلاغه
حضرت علی^(ع) در خطبه ۳۲ نهج البلاغه در خصوص روزگار و مردمان و با عنوان سیر ارتجاعی امت اسلامی، مردمان را از لحاظ روان‌شناسی اجتماعی به چهار دسته تقسیم نمود و دودسته را این‌گونه توصیف نمود:

«آنان که شمشیر کشیده، و شر و فسادشان را آشکار کرده‌اند. لشگرهای پیاده و سواره خود را گردآورده، و خود آماده کشتار دیگران‌اند، دین را برای به دست آوردن مال دنیا تباه کردند که یا رئیس و فرمانده گروهی شوند، یا به منبری فرارفته، خطبه بخوانند، چه بد تجارتنی، که دنیا را بهای جان خود بدانی، و با آنچه که در نزد خداست معاوضه نمایی. گروهی دیگر، با اعمال آخرت، دنیا می‌طلبند، و با اعمال دنیا در پی کسب مقام‌های معنوی آخرت نیستند، خود را کوچک و متواضع جلوه می‌دهند، گام‌ها را ریاکارانه کوتاه برمی‌دارند، دامن خود را جمع کرده، خود را همانند مؤمنان واقعی می‌آریند، و پوششی الهی را وسیله نفاق و دورویی و دنیاطلبی خود قرار می‌دهند.» از خطبه فوق چنین استنباط می‌شود که کارکنان و کسانی که در امور حکومتی (دولتی) مشغول به کار اند و دارای سمت هستند بایستی معیارهایی را رعایت کنند. نوعی رویکرد پیشگیرانه در مطلب فوق وجود دارد، به این صورت که از انتخاب و گزینش افراد مسول حساسیت بیشتری خرج داده شود. از افراد ریاکار و کسانی که دست به خدعه می‌زنند اجتناب شود که تطبیق آموزه‌های نهج البلاغه را با رهیافت‌های پیشگیرانه نمایان می‌کند. افزون بر آن یکی از علت ارتکاب جرم اختلاس در خطبه فوق انتخاب نادرست است، انتخاب و سنجش و گزینش صحیح یکی از موارد اشاره شده در رویکرد‌های پیشگیرانه است، بدین صورت که با انتخاب صحیح پیشگیری از رفتارهای مجرمانه صورت می‌گیرد.

در تفسیری که آیت‌الله مکارم شیرازی از این بیانات داده است این است که اشاره به دنیاپرستانی دارد که مدعی زهد و تقوا و پذیرش آخرت هستند؛ درحالی که این خودبینی چیزی جز فریب و ریا نیست و دنیا را یا با ظلم و زور به چنگ می‌آورند و یا با تزویر و فریب.

بنابراین بیانات ارزشمند گروهی از انسان‌ها شر خود را آشکار می‌سازند و گروهی دیگر بدون آشکار کردن شر خود اقدام به تصاحب و زروزیور دنیا می‌کنند؛ مفسر دسته اخیر الذکر را دارای ظاهری متواضع و باوقار و بی‌اعتنا به دنیا می‌داند که خود را به‌مانند صالحان آراسته می‌کنند؛ درحالی که به خداوند و معاد اعتقادی ندارند و ایمان به دو اصل توحید و معاد در اعماق وجود آنان رخنه نکرده است و در قیامت خطاب می‌شود که ای ریاکاران اعمالتان نابود شده است و هیچ راه نجاتی ندارید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ۲، ۲۷۳).

در نتیجه مستنبط از تفسیر خطبه ۳۲ نهج البلاغه، امام علی (ع)، مهم‌ترین ویژگی اختلاس کنندگان را ظاهر فریبی و ریاکاری آنان می‌داند که توسط جرم‌شناسان نیز به آن پرداخته شده است؛

در حقیقت شخصیت مختلس، ریاکاری و پنهان‌سازی جنبه‌های مجرمانه رفتار است. در خطبه ۸۷ امیر المومنان علی علیه‌السلام با عنوان موعظه یاران که در بیان معرفی بهترین بنده خدا و الگوی انسان کامل بوده است پس از توصیف صفات افرادی که هواپرستی را از خود دور ساخته‌اند و پیوسته مراقب خویش می‌باشند و از این بیم دارند که مبادا لغزش‌هایی از آنان سرزند، به توضیح زشت‌ترین انسان‌ها پرداخته است که در این خطبه در مورد آنان این‌گونه آمده است: «دام‌هایی از طناب‌های غرور و گفته‌های دروغین بر سر راه مردم افکنده، قرآن را بر امیال و خواسته‌های خود تطبیق می‌دهد و حق را به هوس‌های خود تفسیر می‌کند، مردم را از گناهان بزرگ ایمن می‌سازد و جرائم بزرگ را سبک جلوه می‌دهد، ادعا می‌کند از ارتکاب شبهات پرهیز دارد اما در آن‌ها غوطه می‌خورد؛ می‌گوید: از بدعت‌ها دورم ولی در آن‌ها غرق شده است، چهره ظاهر او چهره انسان، و قلبش قلب حیوان درنده است، راه هدایت را نمی‌شناسد که از آن سو برود و راه خطا و باطل را نمی‌داند که از آن بپرهیزد، پس مرده‌ای است در میان زندگان.» یکی از رفتارهای فرد مختلس دروغ و خدعه و دورویی است، در خطبه فوق به این امر مهم اشاره شده، بدین صورت که افرادی که دارای باورهای باطل هستند به انجام رفتارهای مجرمانه همانند اختلاس روی می‌آورند. همانطور که مشاهده می‌شود، بسیاری از رهیافت‌های نوین پیشگیری در آموزه‌های فقهی اسلام وجود دارد که با مذاقه در کتبی همچون تهج ابلاغه به آن پی خواهیم برد.

در تفسیر این بخش از نهج‌البلاغه آمده است که برخی با گمراه کردن مردم از طریق حيله و تزویر در جهت منافع مادی خود اقدام می‌کنند در جای دیگری از تفسیر این‌گونه مطرح شده است که: «این ریاکار شاید در برابر توده مردم چنان ابراز تقوا و پاکی می‌کند که می‌گوید نه تنها از حرام پرهیزدارم که از این شبهات نیز بیزارم در حالی که زندگی او مملو از شبهات است.» بنابراین ادعای این افراد چیزی جز دروغ و فریب‌کاری نیست و بیان چنین جملاتی چه در لباس روحانیت و چه غیر آن می‌تواند رخ دهد (تقی پور، ۱۳۹۲، ۶۰).

همان‌گونه که عنوان شد یکی از ویژگی‌های مختلسین ظاهرسازی و پنهان کردن اقدامات مجرمانه‌ی خود است؛ در خطبه اخیر نیز ملاحظه گردید که امیر المومنان به افرادی اشاره می‌کنند که ظاهر و باطن آن‌ها یکسان نیست و با توجه به همین ویژگی مرتکب گناهان متعددی می‌شوند.

همچنین امیرالمومنان در خطبه ۱۲۶ با عنوان تقسیم بیت‌المال که در مقام بیان عدالت

اقتصادی ایشان و روشن‌ترین بیان ایشان در باب پرهیز از اختلاس است می‌فرماید: «آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آن‌ها ولایت دارم، سوءاستفاده کنم؟ به خدا سوگند! تا عمر دارم، و شب و روز برقرار است، و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد! اگر این اموال از خودم بود به‌گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد که جزو اموال خداست؛ آگاه باشید! بخشیدن مال به آن‌ها که استحقاق ندارند، زیاده‌روی و اسراف است، ممکن است در دنیا ارزش دهنده آن را بالا برد اما در آخرت پست خواهد کرد، در میان مردم ممکن است گرمی‌اش بدارند اما در پیشگاه خدا خوار و ذلیل است. هیچ‌کس مالش در راهی که خدا اجازه نرمود مصرف نکرد و به غیر اهل آن نپرداخت جز آنکه خدا او را از سپاس آنان محروم فرمود، و دوستی آن‌ها را متوجه دیگری ساخت، پس اگر روزی بلغزد و محتاج کمک آنان گردد، بدترین رفیق و سرزنش‌کننده ترین دوست خواهند بود» بنابراین امام علی (ع) در خطبه‌های متعدد بایان کلمات و عبارات‌هایی مانند ظاهرسازی، فریب و ریاکاری و نیکو جلوه دادن خود در نزد دیگران به همان ویژگی‌هایی اشاره نموده است که جرم‌شناسان برای اختلاس‌کنندگان به‌کار برده‌اند. بدین صورت که با تامل در خطبه‌های نهج بلاغه مصادیق از رهیافت‌های پیشگیری اجتماعی ملاحظه می‌شود. پیشگیری که ناظر بر فرد بزه‌کار و جنبه‌های تربیتی و اخلاقی وی است.

۳. پیشگیری

به‌طور سنتی در آموزه‌های جرم‌شناسی به سه نوع از پیشگیری اشاره می‌شود؛ پیشگیری کیفری که به وسیله مجازات و یا تهدید به اعمال مجازات حاصل می‌آید؛ بدین صورت که با وضع قانون و تهدید به اعمال مجازات در صورت انجام عمل خلاف آن به‌صورت عام اقدام به هشدار به افراد جامعه می‌کند.

نوع دیگر پیشگیری وضعی یا موقعیت‌مدار نام دارد که به دنبال محدود ساختن فرصت‌های ارتکاب جرم از طریق اثرگذاری بر محیط است. پیشگیری اجتماعی که حول محور اجتماع انسان و شخصیت افراد بحث می‌کند؛ فرآیند تربیت و جامعه‌پذیری و آموزش اخلاق در این‌گونه از پیشگیری می‌گنجد (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ۴۰-۴۱).

۴. پیشگیری اجتماعی از اختلاس

پیشگیری اجتماعی به دنبال تأثیرگذاری بر فرایند شکل‌گیری شخصیت افراد است و تأثیرات آن در درازمدت حاصل می‌شود و اثرات بادوام‌تری دارد و اهمیت آن بدین سبب است که اشخاص به‌گونه‌ای تربیت می‌شوند که حتی در زمانی که کسی از رفتار آن‌ها مراقبت نمی‌کند مرتکب اعمال خلاف نمی‌شوند. جرم‌شناسانی که به پیشگیری اجتماعی معتقد هستند، انسان را محصول تعامل خصوصیات ذاتی و اجتماعی فردی می‌دانند. بنابراین بزهدکار شخصی است که در دوران رشد جسمانی و مخصوصاً روان خود در بسترهایی مثل خانواده، مدرسه و محل کار و... قربانی یک سلسله بی‌توجهی‌ها، کمبودها و محرومیت‌های مادی، معنوی و عاطفی شده است. به عبارتی مجرمیت محصول علل فردی و اجتماعی است. لذا از آنجاکه این عوامل مولد بزهدکاری در جامعه می‌باشند، مبارزه با آن‌ها مبارزه با بزهدکاری و کاهش آن خواهد بود. این نوع پیشگیری بر تعلیم و تربیت استوار است. بزهدکاری بر اساس دیدگاه پیشگیری اجتماعی نشأت گرفته از محیط اجتماعی شخص مثل خانواده، مدرسه، دوستان و محیط اجتماعی عمومی مانند اقتصاد عمومی یک کشور، رسانه‌های عمومی، فرهنگ حاکم خواهد بود (ابراهیمی، همان، ۶۱).

آنچه مبنای نظری نگارنده در تحقیق پیش‌رو است پیشگیری اجتماعی است که نظریات جرم‌شناسی، راهکارها و آموزه‌های آن را در باب جرم اختلاس بررسی خواهیم کرد.

۴-۱. بهبود اخلاق حرفه‌ای گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یکی از دلایل عمده ارتکاب اختلاس و فساد مالی در سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی به‌طور کلی بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی و دینی است؛ لذا برای جلوگیری از فساد مالی و تقویت سطح خودکنترلی اشخاص، برجسته کردن نقش ارزش‌های اخلاقی در جلوگیری از جرم و تدوین قواعد رفتاری ضروری به نظر می‌رسد؛ قواعد رفتاری مجموعه‌ای از ارزش‌ها و روش‌های مطلوب تعامل با دیگران در محیط‌های مختلف اجتماعی، شغلی و... است که در قالب باید‌ها و نبایدها تجلی می‌یابد. این قواعد رفتاری می‌تواند در کیفیت مطلوب انجام امور اداری و سازمانی مؤثر باشد و سطح بالای رضایت‌مندی و انجام صحیح امور را در پی داشته باشد.

اخلاق به دودسته کلی اخلاق فردی و حرفه‌ای تقسیم می‌شود. اخلاق حرفه‌ای، جزئی از مفهوم اخلاق به‌طورکلی محسوب می‌شود. اخلاق حرفه‌ای از فرهنگ جامعه که ترکیبی از عقاید، مذهب و آداب و رسوم است شکل می‌گیرد. قواعد و مقررات مربوط به رفتار حرفه‌ای معمولاً در قالب آئین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها تنظیم می‌شوند. این مقررات ممکن است، ضمانت اجرای کیفری داشته باشد یا اینکه صرفاً در حد توصیه‌های رفتاری باشند که عمل نکردن به آن‌ها سرزنش عمومی را در پی خواهد داشت.

فرهنگ و انگیزه مأموران عاملی مهم در سطوح مختلف برنامه پیشگیری از فساد است. در جایی که اعمال فاسد به‌صورت هنجارهای فرهنگی پذیرفته شده است کارگزاران در برابر انجام اعمال اصلاحی که جنبه مبارزه با فساد را دارد مقاومت می‌کنند. فرهنگ‌های اداری تحت تأثیر عواملی همچون فرهنگ اصلی جامعه، درآمد، شرایط کاری، امنیت شغلی و غیره قرار دارد. توسعه اخلاق حرفه‌ای می‌تواند تقویت فرهنگ اداری را در پی داشته باشد. تهیه و تنظیم قواعد رفتاری در نهادهای دولتی و خصوصی به‌منظور ایجاد نظم و سلامت در محیط کار صورت می‌گیرد. این قواعد در بردارنده اصولی است که سلامت فرد و سازمان را تضمین می‌کند. مثلاً عدم اعتیاد به مواد مخدر یا قماربازی که از اصول اخلاقی عام و همچنین خاص در رابطه با کارمندان است می‌تواند از بروز اختلاس جلوگیری کند؛ چنین افرادی ممکن است در اثر این قبیل رفتارهای خطرناک از لحاظ مالی و جسمی صدمه ببینند و موجبات آسیب به سازمان را فراهم آورند؛ مثلاً برای تهیه پول مواد مخدر یا جبران باخت در قماربازی اقدام به اختلاس نمایند. همان‌گونه که در تحقیقات دونالد کرسی دلیل اختلاس بسیاری از اختلاس‌کننده‌ها تعهد مالی در اثر عدم رعایت اصول اخلاقی و... بوده است. اقدامات در راستای اخلاق حرفه‌ای دارای گستره وسیعی است. رفتارهایی هم چون اعلام دارایی، منع پذیرش هدیه، صداقت در کلام و انجام کار، گزارش موارد تخلف، عدم وابستگی به جریان‌های سیاسی، لزوم رعایت و ترویج امانت‌داری، تقبیح کم‌کاری در وظایف شغلی که به‌عنوان رفتارهای مطلوب ارزیابی می‌شوند و نقش مهمی در کاهش جرائم مالی دارند در این راستا است. این ویژگی‌های رفتاری افزایش خودکنترلی را در پی دارند (سلیمانی، پیشین، ۱۵).

۴-۲. شایسته‌سالاری

در شایسته‌سالاری، هدف این است که افراد شایسته و نخبه یا متخصص، مناسب مختلف اداری خصوصاً در رده‌های بالایی را اشغال کنند. انتخاب افراد شایسته و متخصص می‌تواند به الگو شدن این افراد کمک نماید. افراد شایسته افرادی هستند که هم از لحاظ علمی و هم اخلاقی در سطح بالایی قرار دارند یا اینکه حداقل از دیگران بالاترند. شایسته‌سالاری دارای فواید فراوانی در نظام اداری کشورهاست؛ انجام امور به دست افراد توانمند و صالح، حسن انجام امور و افزایش عملکرد، الگوسازی برای افراد، بروز استعدادها مثل افزایش سطح تحصیلات از این قبیل است. عدم رعایت شایسته‌سالاری (خصوصاً در سطح کلان) خلایقیت و توانمندی‌ها را ضایع می‌گرداند و باعث می‌شود انجام امور به دست افرادی سپرده شود که میزان توانایی فکری و اعتقادی آنان ضعیف است و راحت‌تر مستعد و پذیرای انجام فساد گردند. در یک نظام شایسته‌سالار مشاغل به وسیله اشخاصی که توانایی‌های اخلاقی و علمی بالایی نسبت به سایرین دارند پر شده است، در نتیجه طبیعی است که میزان وقوع فساد مالی کارمندان به شدت کاهش می‌یابد. لزوم رعایت شایسته‌سالاری باید در ترویج و ارتقای کارمندان نیز مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا افرادی که لیاقت علمی و اخلاقی اداره مشاغل بالادستی را ندارند به مراتب می‌توانند مرتکب فسادهای عظیم‌تری نسبت به سایرین گردند و ضررهای قابل توجهی به نظام اداری و اقتصادی وارد کنند. این افراد در صورتی که اختیار انتخاب کارمندان را داشته باشند معمولاً رفیق‌گرایی و خویشاوند‌گزینی را در دستور کار خود قرار داده و روند نادرست انتخاب افراد نالایق را ادامه می‌دهند (انصاری، ۱۳۸۵، ۸۱). بنابراین شایسته‌سالاری در استخدام‌ها و ارتقای کارکنان دولتی به عنوان یک اقدام اساسی برای پیشگیری از اختلاس و مقابله با فساد در سطح کلان لازم است.

۴-۳. الگوسازی صحیح

به عقیده ادوین ساتر لند در نظریه «معاشرت‌های ترجیحی» رفتار مجرمانه از طریق تعامل با دیگران آموخته می‌شود. در این رابطه مفهوم تقلید یا مدل‌سازی به عنوان مفهوم محوری فرآیند یادگیری مورد لحاظ می‌شود. این مسئله با ملاحظه رفتار دیگران وارد فرآیند یادگیری می‌شود. به عنوان مثال اگر برخی کارمندان به خاطر حسن انجام وظایف مربوطه مورد تشویق قرار گیرند افرادی که شاهد این فرایند تشویق و تحسین هستند می‌توانند آن را یاد بگیرند و در این صورت

حس درست‌کاری مشاهده‌گر تقویت می‌گردد. از این‌رو برای آن‌که مجرمان اقتصادی در یک فضای سازمانی به الگو تبدیل نشوند و همچنین برای جلوگیری از به وجود آمدن محیطی فاسد که در آن قانون‌گریزی به یک (خرده) فرهنگ تبدیل شود بهترین راه‌کار جهت‌دهی به مشاهدات کارمندان است، بدین ترتیب که رفتارهای قانونی و مطلوب برجسته شده و مورد حمایت و تشویق قرار گیرد و لازمه آن شناسایی و تشویق افراد شریف و درست‌کار است. دیدگاه گابریل تارد نیز در این زمینه قابل ذکر است؛ وی معتقد است افراد جرم و شیوه‌های ارتکاب آن را از یکدیگر تقلید می‌کنند. به نظر وی این تقلید از نزدیک‌ترین افراد و معمولاً از افراد فرادست صورت می‌گیرد. از این دیدگاه کسب درآمد از طریق جرم در یک محیط سازمانی از طریق دیدن و تعامل شخص با افرادی که سابقه ارتکاب جرم را دارند می‌تواند متصور شود به این صورت که افرادی که در یک محیط محصور مثل یک ساختمان اداری و سازمانی با یکدیگر روابط نزدیکی دارند در صورتی که رفتارهای خلافکارانه در مرئی و منظر آنان ارتکاب یابد این احتمال افزایش می‌یابد که آنان نیز دست به تقلید زده و ارتکاب جرم را به‌عنوان شیوه‌های سودآور برای کسب درآمد تلقی کنند. این الگوبرداری زمانی بیشتر و مؤثرتر می‌شود که مدیران و افراد بالادستی سازمان‌ها به‌عنوان الگوی سایرین (کارمندان در رده‌های مختلف) انتخاب شده باشند؛ حال در صورتی که این الگوها اقدام به نقض قانونی کنند که ملزم به رعایت آن بوده‌اند، چنین انحرافی قابل یادگیری و انتقال به سایر کارمندان در یک محیط سازمانی است. در اینجا اندیشه مجرمانه این‌گونه شکل می‌گیرد که کارمندان وقوع رفتار مجرمانه را توسط سایر همکاران (وبعضاً همکاران بالادستی) خود مشاهده می‌کنند و این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کنند که در برخی مواقع نقض قانون چندان قبیح نیست، چون از سوی دیگران هم اتفاق می‌افتد. بدین ترتیب در یک فضای سازمانی فساد مالی از طریق الگوبرداری از سایرین گسترش می‌یابد و در این فضای محدود نوعی تبانی برای چشم‌پوشی از خطای یکدیگر به وجود می‌آید. از این‌رو با توجه به دیدگاه‌های تارد در مورد شیوع بزهکاری از طریق تقلید، شیوه‌هایی نیز می‌توان برای جلوگیری از وقوع جرم ارائه کرد. در این شیوه‌ها باید الگوهای نامطلوب فردی و اجتماعی را کنار زده و نمونه‌های بهتری را جایگزین آن‌ها کنیم. تشویق و تنبیه کارمندان به سبب پادکستی و یا خیانت، ترویج ساده زیستی خصوصاً در بین مدیران اصلی سازمان‌ها، انتخاب کارمندان نمونه و... در این راستا است (سلیمانی، همان، ۱۷).

۴-۴. آموزش و افزایش کیفی فرهنگ عمومی

یکی از راهکارهای اساسی برای جلوگیری از رشد اندیشه‌های بزهکارانه در افراد توجه ویژه به تعلیم و تربیت افراد در سنین طفولیت است. نظریه خودکنترلی هیرشی و گانتفردسون از جمله نظریاتی است که در حوزه پیشگیری اجتماعی دارای راهکارهایی اساسی در کنترل جرم است. در این تئوری برای پیشگیری از جرم و تربیت افراد خطر گریز و اجتماعی توجه به تربیت طفل در اولویت قرار داده شده است. به نظر این جرم‌شناسان کودکانی که والدین آن‌ها رفتارهای صحیح را به آنان آموزش می‌دهند و مراقب رفتارهای آنان هستند در آینده خودکنترلی بیشتری را کسب می‌کنند و راحت‌تر از سایرین با وسوسه‌های مجرمانه مقابله می‌کنند (hesen, 2011, 15). خانواده‌هایی که در تربیت فرزندان خود بی‌تفاوت و آسان‌گیر هستند و خواسته‌های فرزندان‌شان را نسنجیده برآورده می‌کنند از دیدگاه این تئوری باعث رشد زیاده‌خواهی در شخصیت آنان و کاهش قدرت مقابله با وسوسه‌های مالی می‌گردند. از این رو شایسته است برای آن‌که کودک در آینده در کنترل نفسانیات و تشخیص صواب و خطا دچار تزلزل نگردد، حسن و قبح اعمال وی مورد نظارت و تذکر قرار گیرد (یاوری، ۱۳۸۹، ۱۳). اگر فرایند جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی در خانواده به‌طور مناسب سالم اجرا شود می‌توان انتظار داشت که فرزندان که در چنین خانواده‌هایی رشد می‌کنند در آینده شهروندانی قانون‌گرا باشند. چراکه خانواده در ایجاد باورهای اجتماعی و انگاره‌های مثبت بسیار مؤثر است و می‌تواند از توسعه نگرش‌های ضد اجتماعی جلوگیری کند. هیرشی پیشنهاد می‌کند برای پدرهای بی‌مسئولیت، ضمانت اجرای مالیاتی وضع شود؛ وی معتقد است اجرای این اصلاحات در سیاست‌گذاری بر میزان رفتار مجرمانه تأثیر مستقیم دارد و موجب تقویت پیوندهای خانواده، افزایش اجتماعی شدن خودکنترلی بیشتر در فرزندان خواهد شد، در نهایت این امر می‌تواند از بروز رفتار انحراف آمیز جلوگیری کند (ولش، ۱۳۸۹، ۱۱).

۵. پیشگیری اجتماعی در نهج البلاغه

در بسیاری از نامه‌های امام علی (ع) به کارگزارانش مصادیق پیشگیری اجتماعی به‌وضوح قابل مشاهده است؛ کما این‌که آن حضرت از ابتدا و قبل از ارتکاب اختلاس افراد را نسبت به چنین اقداماتی بر حذر داشته و به آنان هشدار می‌داد که در صورت خیانت نسبت به بیت‌المال

با مجازات دنیوی و عذاب اخروی مواجه خواهند شد.

توجه به نامه‌های زیر اهمیت این موضوع را در نگاه امیرالمؤمنان آشکار می‌سازد:

نامه ۳: گفته‌شده شریح بن حارث، قاضی امیرالمؤمنان علیه السلام بود. در زمان حکومت آن حضرت خانه‌ای به مبلغ هشتاد دینار خرید، خبر این برنامه به امام رسید، وی را خواست و به او فرمود: «به من خبر رسیده خانه‌ای به هشتاد دینار خریده، و برایش سند نوشته، و بر آن گواهی گرفته‌ای» گفت: «آری چنین است ای امیر مؤمنان» حضرت خشم‌آلود به او نگریست؛ سپس فرمود: «به زودی کسی به نزدت می‌آید (ملک الموت) که به سند خانه نظر نمی‌کند، و از گواه آن نمی‌پرسد، تا آن‌که تو را از آن خانه بیرون می‌کند، و تنها تسلیم خانه قبر می‌نماید. ای شریح، مواظب باش که این خانه را از غیر مال خود نخریده، یا قیمت آن را از غیر مال حلال نداده باشی، که در این صورت دچار خسارت دنیا و آخرت شده‌ای. آگاه باش، اگر زمان خرید خانه نزد من آمده بودی، برای تو سندی مانند این سند می‌نوشتم، که در خرید این خانه به یک‌درهم چه رسد بالاتر از آن رغبت نمی‌کردی.»

نامه ۵: نامه‌ای که امام (علیه السلام) در خصوص سوءاستفاده نکردن از پست و مقام برای اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان نگاشته است: «این فرمانداری، برای تو وسیله آب‌ونان نیست؛ بلکه امانتی است در گردنت و (بدان) تو از سوی مافوق خود تحت مراقبت هستی. هرگز حق نداری درباره رعیت، استبداد به خرج دهی و حق نداری در کارهای مهم و خطیر بدون اطمینان وارد شوی. در دست تو بخشی از اموال خداوند عزوجل است و تو یکی از خزانه‌داران او هستی، باید آن را حفظ کنی تا به دست من برسانی، امید است من رئیس بدی برای تو نباشم، والسلام.»

نامه ۲۰: در خصوص برخورد قاطع با متخلف به زیاد بن ابیه، جانشین فرماندار بصره: «به خدا سوگند می‌خورم، سوگندی راست که اگر به من خبر رسد که در غنائم مسلمانان به اندک یا بسیار خیانت کرده‌ای، چنان بر تو سخت گیرم که کم‌مایه‌مانی و بارهزینه‌عیال بر دوش سنگینی کند و حقیر و خوار شوی. والسلام.»

مفسر در تفسیر این نامه به این نکته حائز اهمیت اشاره می‌کند که امام (علیه السلام) به او صریحاً نفرمود تو خیانت کرده‌ای، بلکه سخن را به نحو مشروط بیان کرد که «اگر به من برسد که مرتکب چنین خیانتی شده‌ای» زیرا در این‌گونه موارد اگر پرده را از روی کار شخص متخلف کنار بزنند او جسورتر می‌شود. فصاحت و بلاغت ایجاب می‌کند که پرده را کمی کنار بزنند و مطلب را به صورت مشروط بیان کنند تا او جسور نشود.

نامه ۲۱: نامه‌ای در خصوص پرهیز از اسراف و ذخیره برای آخرت به زیادبن ابیه، جانشین فرماندار بصره: «از زیاده‌روی پرهیز و میانه‌روی پیشه کن. امروز به فکر فردایت باش. از مال به قدر نیازت نگاه دار و آنچه افزون آید، پیشاپیش برای روزی که بدان نیازمند گردی، روانه دار. آیا امید آن داری که خداوندت پاداش متواضعان دهد، درحالی‌که، در نزد او از متکبران هستی. آیا درحالی‌که، خود در ناز و نعمت فرورفته‌ای و آن را از ناتوانان و بیوه‌زنان دریغ می‌داری، طمع در آن بسته‌ای که ثواب صدقه دهندگان دهند. آدمی به آنچه پیشاپیش فرستاده، پاداش بیند و بر سر آن رود که از پیش روانه داشته. والسلام»

نامه ۲۶: در زمینه امانت‌داری کارگزاران به فرماندار اصفهان که وظیفه جمع‌آوری مالیات و پرداختن سهم مستحقان را به عهده داشت: «(بدان) برای تو در این زکات نصیب مشخص و حق معینی است و شریکانی از مستمندان و بنیویان داری، به یقین ما حق تو را به طور کامل خواهیم داد تو هم باید حق آن‌ها را به طور کامل بپردازی. اگر چنین نکنی از کسانی خواهی بود که در قیامت بیش از همه دشمن و شاکی دارند، بدا به حال کسی که در پیشگاه خداوند، فقرا و مساکین و سائلان و کسانی که از حقشان محروم شده‌اند و بدهکاران ورشکسته و در راه ماندگان (همگی) خصم و شاکی او باشند (این‌گونه افراد، خائنان به بیت‌المال‌اند) و آن‌کس که امانت را سبک بشمرد و در وادی خیانت گام بگذارد و خویشتن و دینش را از آن پاک نسازد درهای ذلت و رسوایی را در دنیا به روی خود گشوده و در سرای آخرت خوارتر و رسواتر خواهد بود. (و بدان) به یقین بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به امت است و رسواترین غش و تقلب، غش و تقلب نسبت به پیشویان اسلام است، والسلام»

امام (علیه‌السلام) در پایان این نامه به این نکته اشاره می‌فرماید که خیانت گاه درباره یک شخص است و گاه درباره یک امت و به یقین خیانت درباره یک امت بسیار زشت‌تر است و خطرناک‌تر است.

نامه ۴۳: در خصوص برابری مسلمانان در بیت‌المال به صقل بن هبیره شیپانی که عامل او در اردشیر خره بود: «از تو خبری به من رسیده، که اگر چنان کرده باشی، خدای خود را به خشم آورده‌ای و امام خود را غضبناک کرده‌ای. تو غنائم جنگی مسلمانان را که به نیروی نیزه‌ها و اسبانشان گردآمده است و بر سر آن‌ها خون‌ها ریخته شده، به جماعتی از عرب‌های قوم خود، که تو را اختیار کرده‌اند، بخشیده‌ای. سوگند به کسی که دانه را شکافته و جانداران را آفریده، اگر

این سخن راست باشد، از ارج خود در نزد من فرو کاسته‌ای و کفه اعتبار خود را سبک کرده‌ای. پس حقیقت پروردگارت را سهل مینگار و خوار میدان و دنیایت را به نابودی دینت آباد مگردان. که در زمره زیان‌کارترین مردم در روز رستاخیز خواهی بود. بدان که مسلمانانی که در نزد تو هستند، یا در نزد ما هستند، سهمشان از این غنیمت برابر است. برای گرفتن سهم خود نزد من می‌آیند و چون بگیرند، بازمی‌گردند.» همچنین امام علی (ع) در نامه ۵۳ برای پیشگیری از انحراف مسئولان حکومتی در منشور حکومتی خود مالک اشتر را به بازرسی محرمانه مأموران دولت امر می‌کند (رحیم‌پور، ۱۳۹۷، ۸۵).

علاوه بر موارد فوق امیر المومنان خود را به عنوان الگویی در زمینه حفظ و نگهداری بیت‌المال به امت اسلامی معرفی کرده و در نامه ۴۵ به عثمان بن حنیف نگاشته است: «امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است. به خدا سوگند از دنیای شما پاره زری نیندوخته‌ام و از همه غنائم آن مالی ذخیره نکرده‌ام و به جای این جامه که اینک کهنه شده است، جامه‌ای دیگر آماده نساختم‌ام». و در جای دیگری در خطبه ۲۳۲ در خصوص احتیاط در مصرف بیت‌المال فرموده است: «این مال نه از آن من است نه از آن تو، بلکه غنیمت مسلمانان و اندوخته شمشیرهای ایشان است، پس اگر با آن‌ها در کارزارشان شریک بوده‌ای ترا هم مانند آنان نصیب و بهره می‌باشد و اگر نه چیده دست‌های آن‌ها برای دهن‌های دیگران نمی‌باشد.»

پیشگیری اجتماعی که جرم‌شناسان مطرح می‌کنند با مواردی که در نهج البلاغه و آموزه‌های ان مورد بررسی و تطبیق قرار گرفت هردو در یک راستا و بزه‌کار محور بودند. در هر دو آموزه‌های توجه به مسائل اخلاقی، تربیتی و دوری از دروغ و خدعه شده است. به نظر در صورتیکه این دو آموزه‌ها با یکدیگر تلفیق شوند و رویکرد پیشگیرانه‌ای مبتنی بر اندیشه‌های فقهی فقه امامیه باشد، نتیجه‌ای مطلوب که همانا پیشگیری ازین جرایم است را به ارمغان می‌آورد.

بنابراین با توجه به حکومت‌داری و امکان اجرای احکام اسلامی توسط امام علی (ع)، آن حضرت سهم ویژه‌ای در تبیین سیاست پیشگیری اجتماعی از جرم اختلاس داشته است؛ در واقع راهبرد اساسی و اولیه سیاست حکومتی امیرالمومنان در مواجهه با اختلاس یک رویکرد کیفری و مجازات محور نبود؛ بلکه اولویت اصلی و ترجیح ایشان با برنامه‌های پیشگیرانه صورت گرفت.

نتیجه‌گیری

اختلاس، مسئله‌ای است که در عصر حاضر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل بر سر راه توسعه و پیشرفت جوامع قرار گرفته و آسیب‌های بی‌شماری ایجاد کرده است؛ از آنجاکه مرتکبان این جرم غالباً از طبقات بالای جامعه هستند، اقدامات کیفری مؤثری علیه آنان صورت نمی‌پذیرد؛ چراکه آنان در از بین بردن ادله و مدارک وقوع جرم تبحر داشته و غالباً اثری از خود باقی نمی‌گذارند؛ بنابراین همواره تلاش شده است تا با برنامه‌های پیشگیرانه نسبت به کاهش وقوع این جرم اقدام شود. در همین راستا برنامه‌های پیشگیرانه‌ای همچون بهبود اخلاق حرفه‌ای، شایسته‌سالاری، الگوسازی صحیح و آموزش و ارتقای فرهنگ عمومی که از رویکردهای پیشگیری اجتماعی هستند، کارکرد سازنده‌ای را ایفا می‌کند. از طرفی با بررسی محتوای کتاب نهج‌البلاغه در آن قسمت که حاوی نامه‌ها و خطبه‌های آن حضرت در طول حکومت‌داری وی بود، مشخص گردید قسمت قابل‌ملاحظه‌ای از مطالب در حوزه‌ها و مضامین مختلف اعتقادی مرتبط با توصیف ویژگی‌های اختلاس‌کنندگان ترسیم سرنوشت آنان و راه‌کارهای پیشگیری از این پدیده مجرمانه است. امام علی^(ع)، به‌عنوان الگویی در زمینه حفظ و نگهداری بیت‌المال، به وجود خطر غارت بیت‌المال در عصر خود آگاه بوده و برای جلوگیری از اختلاس بر اعمال کارگزارانش نظارت داشته و مکرراً با ارسال نامه‌های هشدارآمیز و موعظه‌مند پیامدها و اثرات ارتکاب چنین عمل مجرمانه‌ای را به آنان بیم می‌داده است.

منابع

۱. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۰). جرم‌شناسی پیشگیری، ج ۱، چ ۴، تهران: انتشارات میزان.
۲. ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۷). «بازدارندگی از منظر حقوقی و جرم‌شناسی»، فصلنامه علمی ترویجی کارآگاه، س ۲، ش ۵، صص ۵۲-۳۱.
۳. الهی منش، مرادی اوجقاز، رضایی بشیر، محمدرضا، محسن، محمد (۱۳۹۴). «سیاست جنایی ایران در قبال اختلاس»، مجله قضاوت، س ۱۵، ش ۸۳، صص ۱۲۰-۱۰۳.
۴. انصاری، محمد مهدی (۱۳۸۵). تأملی در باب مفهوم شایسته‌سالاری، روزنامه رسالت، مورخه ۱۳/۲/۱۳۸۵.
۵. بنسون، مایکل، سیمپسون، سالی (۱۳۹۱). جرائم یقه‌سفیدی رویکرد فرصت‌مدار، ترجمه: اسماعیل رحیمی نژاد، چ ۱، تهران: نشر میزان.
۶. تقی پور، علی‌رضا (۱۳۹۲). «مجرمین یقه‌سفید از دیدگاه جرم‌شناسی و نهج البلاغه»، فصل‌نامه پژوهش‌نامه نهج البلاغه، س ۱، ش ۳، صص ۶۶-۵۶.
۷. چلونگر، الناز (۱۳۹۶). نگاهی به جرم اختلاس و مجازات آن، چ ۱، تهران: انتشارات ماهواره.
۸. رحیم‌پورازغدی، طاهره، مرتضوی، سید محمد (۱۳۹۷). نقد تاریخی اختلاس عبدالله بن عباس (باتکیه بر نهج البلاغه)، فصل‌نامه پژوهش‌نامه نهج البلاغه، س ۶، ش ۲۴، صص ۸۸-۷۱.
۹. رضانی، احمد (۱۳۸۰). اختلاس: بررسی فقهی - حقوقی، چ ۱، تهران: انتشارات دانش و اندیشه معاصر.
۱۰. سلیمانی، سجاد (۱۳۹۶). «پیشگیری از اختلاس»، فصل‌نامه کارآگاه، س ۷، ش ۲۶، صص ۹۲-۷۱.
۱۱. عمید، حسن (۱۳۹۰). فرهنگ فارسی عمید، چ ۳۸، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۲. علامه حلی، حسین بن یوسف بت المطهر (۱۳۴۳)، مختصر نافع، چ ۱، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱). شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه، ج ۲، چ ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیه السلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ۱۳۹۸/۱/۱۲ (<http://ahlolbait.com/article/16270>).

۱۵. میرمحمد صادق، حسین (۱۳۹۲). جرایم علیه اموال و مالکیت (حقوق کیفری اختصاصی ۲)، چ ۳۷، تهران: انتشارات میزان.
۱۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۰). تقریرات درس جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی: تهران.
۱۷. ولش، کلی (۱۳۸۹). درآمدی بر دو نظریه تراویس هیرشی، ترجمه: بهروز جوانمرد، فصلنامه تعالی حقوق، س ۲، ش ۴، صص ۲۹-۱۰.
۱۸. یآوری، علی (۱۳۸۹). خانواده و روش‌های تربیت، ماهنامه اصلاح و تربیت، ش ۹۶، صص ۱۹-۷.
19. Hesen, Buker, (2011) behavior violent and aggression, control self of Formation, v 16, pp9-21.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی